

■ جریان رسانه‌ای غرب و برخی عوامل مزدور داخلی در صددند تا از بی‌تدبیری‌ها روزنه‌ای برای عناصر ضدانقلاب و ضدمیهنی فراهم کنند تا آنچه در برخی کشورها رقم زده‌اند همان را در ایران به انجام برسانند

خشکسالی و بی‌تدبیری‌های گذشته و کنونی بهانه‌ای برای اهداف گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب شده‌است

عطش خوزستان و فرصت‌طلبی تجزیه‌طلبان

روح‌الله ازدری: این خصلت مگس است که هر جا عفونتی مشاهده می‌کند روی آن می‌نشیند. این روزها که دمل چرکین سال‌ها بی‌توجهی، تبعیض و ناکارآمدی برخی از سیاست‌ها و سیاستمداران در خوزستان سر باز کرده‌است، شاهدیم که این فضای عفونت‌زده ۲۰ دسته را با عطشی دوچندان تشنه‌تر از مردم خوزستان به عرصه میدان روانه ساخته‌است. گروه اول که در این یادداشت درباره ماهیت آن بیشتر سخن خواهد رفت و سابقه‌های بس دراز دارد، پسمانده‌های گروه ناسیونالیستی خلق عرب است که شکل‌گیری آن به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد و در وابستگی اولیه آن به حکومت صدام شکی وجود ندارد. این گروه هرگز درد عطش و سایر مشکلات خوزستان را نرانداند، بلکه عفونت موجود را زمینه مناسبی برای تحرک و تحریک مردم در راستای اهداف تجزیه‌طلبانه خود یافته‌اند. گروه دوم فعالان رسانه‌ای حامی این جریان تروریستی هستند که با اهداف روشن تجزیه‌طلبانه با پول و حمایت رسانه‌هایی مثل بی‌بی‌سی ملکه و اینترنت‌نشال بن‌سلمان در صددند از اعتراضات بحق و قانونی مردم به بی‌کفایتی مسئولان و تداوم سیاست‌های غلط گذشته موجهی ساخته و سوار بر آن به عناصر میدانی عرصه اعتراضات کمک رسانند. گروهی از افراد ناآگاه نیز بدون اینکه از اهداف این جریان خیانتکار به ایران آگاه باشند، در عرصه رسانه با آنان همدلی کرده و به اهداف تجزیه‌طلبانه آنان کمک می‌کنند. تکنیک مردم از تجزیه‌طلبان و عناصر نفوذی نخستین قدم بر خوردن با بحران کنونی خوزستان است. قطعا هر وطن‌پرست واقعی ضمن همدردی و حمایت از اعتراضات بحق و قانونی مردم خوزستان، با هیچ گروه خائنی که در صدد تکه پاره کردن کشور عزیزمان ایران باشد احساس همدردی نمی‌کند. باید مردم عزیز کشورمان این تجربه را آموخته باشند که در سال‌های گذشته هر موردی که اعتراضی بحق از ناحیه مردم صورت پذیرفته گروهی آماده با قصد تبدیل اعتراض بحق به شورش وارد میدان شده و مطالبه مردم را به انحراف کشانده‌است، لذا نباید در فضای مجازی و در میدان، فریب عناصر نفوذی را خورد و با عمل و شعار آنان همراهی کرد. متأسفانه در کشور قانون و راهکار مناسبی برای اعمال اعتراضات قانونی مردم دیده نشده‌است و لذا به سرعت شیوه مطالبه‌گری صورت امنیتی به خود می‌گردد و مطالبه بحق مردم بر زمین می‌ماند و حتی مطالبه‌گر محقق نیز با انحراف شیوه مطالبه‌گری مورد اتهام امنیتی واقع می‌شود. اما در این شرایط استان خوزستان شناخت عناصر نفوذی و جریان تروریست‌الاحوازیه که در صدد است با گلوله در اعتراضات و مطالبه مردم خوزستان بدمد و با کشته‌سازی و قرار دادن مردم در مقابل نظام و توسعه اعتراضات آن را تبدیل به شورش عمومی کند، بسیار ضروری است. این گروهک تروریست از ابتدای پیدایش آن با نام جبهه التحریر در سال ۱۳۴۷ تحت تأثیر فرمانروا حزب بعث عراق بوده و از حمایت‌های مادی و معنوی رژیم بعث عراق بهره در دوران صدام و جنگ تحمیلی برخوردار بوده‌است. حسین فردوست، قائلمقام ساواک تأسیس جبهه «التحریر» را یک طرح درازمدت می‌دانست تا اگر در شرایط فرضی محمدرضا پهلوی قادر به تأمین منافع غرب در خوزستان نبود، آمریکا و انگلیس را ساواک از طریق این گروهک با حمایت ناسیونالیست‌های عرب، این استان را از ایران جدا کنند. اهداف



اولیه تأسیس این گروه تجزیه‌طلب خوزستان از ایران بوده و اگر چه در طول زمان دستخوش تحولاتی در درون و بیرون شده‌است اما هدف اولیه آن هنوز به قوت خود باقی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کشورهای غربی و سران رژیم عراق و عربستان پیگیری مطامع قبلی خود در ایران را به طور جدی در دستور کار قرار دادند و لذا مراکز تحت عنوان دفاتر جبهه آزادی‌بخش خوزستان در بصره و العماره گشوده و عضوگیری برای این دفاتر آغاز شد. در داخل کشور نیز وابستگان به «جبهه‌التحریر» و گروه چپ‌گرای دیگری به نام «الجبهه‌الشعبیه لتحریر اهل‌الحوزه» تشکیل به نام جبهه سیاسی را در نخستین روزهای سال ۵۸ تأسیس کردند که بعد از مدت کوتاهی به «سازمان سیاسی خلق عرب» تغییر نام داد. این گروه تجزیه‌طلب از شرایط وقوع انقلاب در این مقطع سوءاستفاده کرده و در خوزستان علم جدایی‌طلبی را بالا برد. جریان ناسیونالیستی خلق عرب به رهبری شیخ شبیر خاقتانی در ۶ ماهه ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، خوزستان را عرصه جولانگه خود قرار دادند و با تحریک حس ناسیونالیستی جوانان عرب، دست به اقدامات آشوب‌طلبانه و تروریستی زدند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم؛ ۱- حمله و آتش زدن کانون فرهنگی - نظامی جوانان مسلمان و دستگیری جوانان مذهبی مثل شهید جهان‌آرا ۲- حمله به پایگاه نیروی دریایی ارتش در خرمشهر ۳- دریافت تسلیحه، تدارکات و پشتیبانی از طرف صدام و انجام حملات از نواحی مرزی به پاسنگاه‌ها و

نیروهای گشتی سیاه ۳- آتش زدن انبار مخابرات، پرتاب خمپاره، مین‌کاری در جاده‌ها، انفجار منازل و انفجار و آتش‌سوزی در اداره راهنمایی و رانندگی از جمله اقدامات این گروه در اوایل انقلاب بوده که با اهداف تجزیه‌طلبانه انجام می‌شد. جالب است بدانیم که همین حمایت رسانه‌ای که اکنون از طرف بی‌بی‌سی ملکه و اینترنت‌نشال بن‌سلمان از گروه‌الاحوازیه انجام می‌شود، از طرف رسانه‌های غربی و کشورهای عرب منطقه از این جریان صورت می‌پذیرفته است. رادیو کولن در تاریخ ۵۸/۳/۱۰ می‌گوید: «عرب ایران اعلام کردند که سلاح‌های خود را تحویل نخواهند داد مگر اینکه دولت خواسته‌های آنها را درباره خودمختاری تأمین کند». همین رادیو در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۱۲ می‌گوید: «مظاهر کنندگان با دادن شعارهایی خواهان تبدیل نام خوزستان به عربستان شدند». همچنین رادیو صورت الجواهری العراق و رادیو عربی کویت با نقل اخبار تحریک‌آمیز، ادامه درگیری اعراب خوزستان را تا تحقق خودمختاری و تشکیل عربستان ایران نوید می‌دادند. (تاریخ انقلاب اسلامی، جلد ۴، انتشارات قدر ولایت) اما تحركات تجزیه‌طلبانه آنان دوام زیادی نیافت و با عدم همراهی مردم خوزستان بویژه اعراب وطن‌پرست به شکست کشیده شد. برخی دستگیر و برخی نیز به بیرون از مرزهای کشور بویژه به دامن صدام پناهنده شدند. اما اوج رسوایی آنان را می‌توان در این روایت یافت که پسمانده‌های همین جریان ضدمیهنی با ورود ارتش عراق به سوسنگرد در ابتدای جنگ تحمیلی به

پیشواز آنها رفتند و به ستون پنجم دشمن در تأمین اطلاعات و جاسوسی برای صدام در طول جنگ تبدیل شدند. این حرکات خائنه‌اند عده قلیل هرگز فداکاری ملت شجاع وطن‌پرست عرب خوزستان را نمی‌تواند تحت‌الشعاع قرار دهد. ملت عزیز عرب خوزستان در هویزه، سوسنگرد، بستان و جای‌جای خوزستان قهرمانی‌ها کرده و از خون، جان و مال خود مایه گذاشته‌است. از میان ابوهی از حوادث قهرمانانه ملت عرب خوزستان فقط به یک نمونه که نگارنده به دلیل خدمتگزاری در راهیان نور از زبان مردم عزیز روستای سمیده شنیده‌ام نقل می‌کنم: در کنار مزار شهدای هویزه، مزار دیگری وجود دارد که ۲۸ تن از شهدای بومی منطقه که پی‌رمرد ۸۰ ساله تا کودک خردسال در میان آنهاست در آن مدفونند. این شهدا از اهالی روستای سمیده و از ۲ طایفه بوختر و بوغنیه‌نم هستند. در ابتدای وقوع جنگ تحمیلی و اشغال هویزه و بستان و سوسنگرد، در حوالی روستای آنان یک فروند هواپیمای جنگی ایرانی اسلطف می‌شود و چون اهالی روستا خلیان را پنهان می‌کنند و حاضر به همکاری با صدامیان بعثی نمی‌شوند، توسط آنها تیرباران می‌شوند. مزار این شهدا پرچم وطنی‌پرستی اعراب خوزستان در کنار مزار شهدای هویزه است. لذا مذاکرات نفوذی و خائن نمی‌تواند خراشی به صورت وطن‌پرست اعراب خوزستان بکشد. شبکه تروریستی الاحوازیه دوباره بعد از یک دوره سکوت بعد از سال ۱۳۷۵ تشکیل و مورد حمایت دولت‌های غربی بویژه انگلیس، دانمارک و هلند و سازمان سیا قرار

گرفت. در اوایل دهه ۸۰ فعالیت‌های تروریستی متعددی را در خوزستان برنامهریزی و اجرا کردند که موجب شهادت عده‌ای از مردم مظلوم اهواز و خوزستان از عرب و فارس شد. تشکیلات مذکور اقدام به بمب‌گذاری در فرمانداری اهواز، سازمان مدیریت و برنامهریزی، سازمان مسکن و شهرسازی، شرکت طرح توسعه نیشکر خوزستان، چاه شماره ۱۷۹ نفت، ۲ محل از خطوط لوله ورودی و خروجی منتهی به چاه ۱۷۹، خطوط لوله نفت آبادان به ترتیب در دهم شهریور ۸۴ و ۷ آبان ۸۴، اداره کل منابع طبیعی استان خوزستان، بانک سامان منطقه کیان پارس، شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی استان، فرمانداری‌های آبادان و دزفول کردند. بر اثر این عملیات، تعداد ۱۴ تن از هموطنان مظلوم و بی‌گناه شهید و بیش از ۱۵۰ نفر نیز زخمی شدند و خسارات مالی بسیار هنگفتی نیز به اماکن دولتی و خصوصی وارد شد. از دیگر جنایات این گروه، بمب‌گذاری ۲۳ مهر در خیابان ناهری در ماه رمضان و در شلوغ‌ترین زمان ممکن، ساعتی پیش از آذان مغرب بود که به کشته شدن ۶ نفر و مجروحیت بیش از ۱۰۰ تن انجمن‌آماجی اوج بی‌شرمی و بی‌رحمی این گروه آنجا بود که ابتدا یک بمب صوتی و هنگامی که مردم در محل جمع شدند، بمب اصلی منفجر شد. در بین کشته‌شدگان و زخمی‌ها تعداد زیادی عرب نیز وجود داشتند.

این جریان در طول سال‌ها تلاش برای نفوذ در ادارات و سازمان‌ها نیز داشته‌است و نمونه آن بازداشت رئیس یکی از نواحی آموزش و پرورش شهر اهواز به اتهام مشارکت در اقدامات تروریستی در اهواز بود. گروه تروریستی الاحوازیه که در سال‌های اخیر برنامهریزی‌های متعددی برای ناامن کردن اهواز به اجرا گذاشته و در جریان اعتراضات مردمی نیز نقش مهمی در به خشونت کشیدن این اعتراضات داشت، می‌خواهد از طریق بی‌ثبات کردن منطقه، آرزوی محال و مضحک جدایی خوزستان از ایران را دنبال کند؛ همان اقدامی که صدام با حمله به ایران سعی کرد آن را به ثمر برساند. از جمله اقدامات تروریستی این گروهک در سال‌های اخیر جنایت حمله به رژه نیروهای مسلح به مناسبت هفته دفاع‌مقدس در اهواز بود که منجر به شهادت ۲۵ نفر از عزیزان سپاهی، ارتشی و مردم عادی شد. در نخستین واکنش‌ها یعقوب حر تستری، مستنکوی گروه الاحوازیه در گفت‌وگو با تلویزیون ایران اینترنت‌نشال بن‌سلمان انجام این حمله را برعهده گرفت. اکنون که مشکل خشکسالی و بی‌تدبیری‌های گذشته و کنونی در زمینه خدمات‌رسانی به مردم محروم غرب خوزستان سر باز کرده‌است، بهانه مناسبی برای عناصر تجزیه‌طلب برای اهداف تجزیه‌طلبانه شده‌است. لذا نباید خام‌مظلوم‌نمایی رسانه‌ای جریان تروریستی الاحوازیه شد. مردم خوزستان تشنه هستند اما نباید اعتراضات به نام مردم به کام تجزیه‌طلبان و فرصت‌طلبان ضدانقلاب تمام شود. امروز جریان رسانه‌ای غرب و برخی عوامل مزدور داخلی در صددند تا از این عفونت چرکین بی‌تدبیری‌ها روزنه‌ای برای عناصر ضدانقلابی و ضدمیهنی فراهم کنند تا آنچه که در برخی کشورها رقم زده‌اند همان را در ایران عزیز ما به انجام برسانند. در این میان برخی عناصر و افراد ناآگاه نیز آتش بیار شوند و نمی‌دانند آنچه که می‌کنند استان دلسوزی خاله‌خرسه‌است.

چرا آمریکا تاکتیک «پیچیده‌سازی» بازگشت به برجام را در پیش گرفته‌است؟

دولت ضعیف برای توافق ضعیف‌تر



نمی‌تواند از اینکه ایران درباره موضوعات دیگر پای میز مذاکره بیاید، اطمینان حاصل کند. آمریکا و تروییکای اروپایی البته در برآوردهای خود از رفتار تهران دچار اشتباه شده و تصور می‌کنند ایران تحت سیاست صبر راهبردی دولت روحانی همچنان بنای سازگاری با نقش‌های طرف غربی را دارد. در همین زمینه نشریه ریسیانسیبل استیت کرافت درباره رفتار ۳ کشور اروپایی می‌نویسد: ناکامی ۳ کشور اروپایی در حفاظت موثر از تجارت با ایران، ناتوانی اتحادیه اروپایی یا بی‌اراده بودنش را برای حفظ برجام آشکار کرد. اگر اروپایی‌ها موثرتر و مصمم‌تر بودند، مشارکت با عدم مشارکت آمریکا در برجام انقدرها اهمیت محوری نداشت. تروریست‌ها اروپایی‌ها را فرستاد که اگر در سال ۲۰۲۴ رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا از حزب جمهوری خواه از برجام کنار بکشد یا دوباره به شکلی توافق رازی بر با گذارد، نمی‌توان روی اروپا برای حفظ توافق حساب جدی باز کرد. این رسانه‌ها ادامه می‌دهند: ناتوانی اروپا برای ایستادن در برابر ترامپ، با یک سلسله بدسنجی‌ها در ۶ ماه گذشته که دولت بایدن بر سر کار است، همراه شد. ریشه بدسنجی به این باور بازمی‌گردد که ایران با کارزار فشار حداکثری ترامپ انقدر به گوشه رانده شده که فرصت حصول توافق با بایدن را از دست نخواهد داد. ارزیابی اروپا آن است که ضعف ایران، اهمی را در اختیار قرار داده تا نیاز به برجام تکمیلی را اجابت‌نندازد که همچنین برنامه موشک‌های بالستیک ایران را چاره خواهد کرد. بگذریم از اینکه امانوئل مکرون حتی ایده مشارکت عربستان سعودی در این گفت‌وگوها را هم به میان کشید. این ایده‌ها هرگز عملی نخواهد شد، چرا که ایران بارها امتیازدهی یکجانبه در زمینه ابزارهای بازدارندگی‌اش یعنی موشک‌ها و اتحادهای منطقه‌ای را رد کرده‌است. دولت بایدن این را می‌فهمد و به همین دلیل روی احیای برجام در همان گستره و شکل اولیه‌اش تمرکز دارد. این رسانه در پایان می‌افزاید: انفعال کنونی، حماقت کسانی را روشن کرد که علیه شتاب در احیای برجام سخن می‌گفتند. اروپایی‌ها به جای سرگرم شدن با توهم یک توافق بهتر، باید از همان روز اول با دولت بایدن برای بازگشت به برجام لابی می‌کردند. زمان ارزشمندی از دست رفت و در نتیجه اکنون کشورهای اروپایی با یک گزینه ناخوشایند روبه‌رو هستند؛ پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را که بخشی از آن غیر قابل بازگشت است، بپذیرند یا به سیاست تحریم‌ها بازگردند (احتمالاً از طریق ارجاع موضوع به شورای امنیت سازمان ملل). همچنین مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه‌ای که شامگاه دوشنبه منتشر شده از توقف مذاکرات وین درباره برجام ابراز ناخوشی کرده‌است. خبرگزاری

فرانسه نوشته گروسی در مصاحبه‌ای با این رسانه گفته‌وقفه در مذاکرات وین برای احیای برجام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در «وضعیتی نامطلوب» قرار داده‌است. گروسی که در برزیل حضور داشت، در این مصاحبه تصریح کرد: «ما هنوز سوالاتی داریم؛ مسائلی با ایران هستند که تلاش می‌کنیم آنها را روشن کنیم. مجبوریم صبر کنیم و کار را با تیم جدیدی که بر سر کار می‌آید از نو شروع کنیم». وبگاه شبکه خبری بلومبرگ هم به نقل از گروسی نوشته ایران ادعا می‌کند داده‌های ضبط‌شده توسط تجهیزات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راه‌نویز نگاه داشته‌است. بلومبرگ نوشته‌اما ایران تا زمانی که مذاکرات وین به اتمام نرسند و تحریم‌ها رفع نشود، اجازه دسترسی به این داده‌ها را به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نخواهد داد. گروسی گفت: «برای ما وضعیت نامطلوبی است، چون این ضمانت‌ها ماهیتا غیررسمی هستند و ما نمی‌توانیم این اتفاق می‌افتد یا خیر اما چاره‌ای نداریم». همچنین نماینده ویژه آمریکا در امور ایران روز چهارشنبه به سی‌ان‌ان گفت: «یک نکته پیش خواهد آمد - اما ما هنوز در این نقطه نیستیم - اگر ایران به پیشبرد برنامه خود ادامه دهد و هیچ معامله‌ای وجود نداشته باشد، پس گرفتن منافع منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بسیار دشوار یا غیرممکن خواهد بود». راب مالی گفت برای جلوگیری از این کار، باید معامله‌ای «در آینده قابل پیش‌بینی» منعقد شود. دولت بایدن همچنین برای تحت فشار

مقام‌ها افزودند: «هنوز تصمیمی درباره ادامه کار گرفته نشده و این خطر وجود دارد که این تلاش‌ها نتیجه معکوس دهد و باعث شود ایران برنامه هسته‌ای خود را تسریع کند؛ گزینه‌های دیگری هم در حال بررسی هستند». در ادامه این گزارش به نقل از یک مقام دیگر ذکر شده که یک کارزار دیپلماتیک برای متقاعد کردن چین، هند و سایر خریداران بزرگ نفت خام ایران به کاهش واردات نفت، معاملات غیرنفتی، تأمین مالی و نقل و انتقالات مالی از جمله گزینه‌های دیگر مورد نظر واشنگتن است. در این رابطه همچنین یک خبرنگار در نشست خبری از سخنگوی وزارت خارجه آمریکا پرسید: «وال استریتز ژرنال گزارش کرده آمریکا در صدد اجرای سخت‌گیرانه اجرائی تحریم‌ها درباره خرید نفت از سوی چین از ایران است؛ آیا این چیزی است که شما تأیید می‌کنید؟ اگر تأیید می‌کنید، آیا این تحریم‌ها همان چیزی نیست که همین الان هم دارید اجرا می‌کنید؟ یعنی تحریم‌های نفتی ایران، سوال دوم اینکه گزارش‌های وجود دارد درباره اینکه گفت‌وگوهای وین ممکن است تا سپتامبر یا اکتبر از سر گرفته نشود؛ اگر اینطور است، علت تأخیر چیست؟ ند پرایس در پاسخ گفت: «درباره بحث تحریم‌ها و اجرائی تحریم‌ها حرف شما صحیح است، همه تحریم‌ها پابرجا هستند مگر آنکه از طریق یک فرآیند دیپلماتیک رفع شوند». ند پرایس در ادامه در پاسخ به سوال مجدد خبرنگار که پرسید پس آمریکا اجرائی تحریم‌ها را شل نکرده‌است، گفت: «درست است، درست است». همچنین یک رسانه غربی با اشاره به سفر آتی وندی شرم، نفر دوم وزارت خارجه آمریکا به پکن، از ارزیابی‌های او با مقام‌های چین درباره ایران، کرشمه‌ای و دیگر موضوعات خبر داد. به گزارش رویترز، وزارت خارجه آمریکا روز چهارشنبه اعلام کرد شرم، قائم مقام این وزارتخانه ۲۵ و ۲۶ جولای (سوم و چهارم مرداد) از چین دین می‌کند. بنا بر اعلام واشنگتن، نفر دوم وزارت خارجه آمریکا در این سفر با «وانگ بی» وزیر خارجه و دیگر مقام‌های ارشد چین دیدار می‌کند. قرار است وندی شرم در پایان سفر دوراهی به ژاپن، کره‌جنوبی و مغولستان به پکن سفر کند. سفر قائم مقام وزارت خارجه آمریکا به این منطقه دومین سفر آسیایی او طی کمتر از ۲ ماه اخیر خواهد بود. در بیانیه وزارت خارجه آمریکا درباره سفر شرم به چین اعلام شده این سفر در ادامه «تلاش‌های ایالات متحده برای برقراری مرادلات صریح به منظور تقویت منافع ایالات متحده و مدیریت مسؤله‌روابط آ۲ کشور» انجام می‌شود. طبق این بیانیه، شرم با مقام‌های چین درباره حوزه‌هایی که واشنگتن نگرانی‌های شدیدی درباره اقدامات حزب کمونیست چین دارد و همچنین درباره حوزه‌هایی که منافع مشترک دارند، صحبت خواهد کرد. خبرگزاری رویترز سپس گزارش داد: «به رغم روابط شکننده کنونی آمریکا و چین، او (وندی شرم) امیدوار است درباره کره‌شمالی، تغییرات اقلیمی و ایران که جزو دغدغه‌های مشترک آمریکا و چین است، به پیشرفت‌هایی دست یابد».

گروه سیاسی: آمریکا با مانع تراشی‌های پیاپی، تاکتیک «پیچیده‌سازی» بازگشت به برجام را در پیش گرفته و چشم‌انداز احیای برجام را دشوارتر کرده‌است. به گزارش «وطن‌امروز»، دولت بایدن که وارد هفتمین ماه فعالیت‌های خود در کاخ سفید شده، اصلا وضعیت مناسبی در داخل و خارج از آن کشور ندارد و همچنان میراث آمریکای ترامپ است. شبکه سی‌ان‌ان دوران ریاست‌جمهوری بایدن را بحران‌زده می‌خواند و می‌نویسد: رئیس‌جمهور جو بایدن گفت روز سه‌شنبه فشار برای [واکسن و تسویه‌مانند «سعود» از یک سریالایی ثابت» است. او می‌تواند همین حرف را درباره کل دوران ریاست‌جمهوری بحران‌زده خود که از مرز ۱ ماه می‌گذرد، بگوید. این شبکه حامی دموکرات‌ها ادامه می‌دهد: پس از روی کار آمدن در یک لحظه تارکینگ که بیش از ۳۰۰۰ آمریکایی که هر روز از «کووید-۱۹» از دست رفته و کشور از حمله دولت پیش از خود به دموکرات‌ها در اضطراب است، بایدن با سخت‌ترین آغاز رویه‌ور شد. یک بیماری همه‌گیر نیرومند، یک ملت شکسته از نظر سیاسی و عدم اطمینان از سرنوشت دستور کار وی در داخل و خارج از کشور، مقامات ارشد را بخوبی آگاه کرده‌است دولت بایدن روزهای سرنوشت‌سازی در پیش دارد. به همین خاطر خود که دولت بایدن از ابتدای نشست کمیسیون برجام در گراند هتل وین برای احیای توافق هسته‌ای تا همین اواخر که در دور هفتم گفت‌وگوها وقفه افتاد، در تکاپو برای حصول یک توافق ضعیف با ایران بود که از توسعه پرتاب برنامه هسته‌ای ذیل اقدامات جبرانی تهران جلوگیری کرده و ایران را محدودیت‌های هسته‌ای بازگردد؛ مساله‌ای که تونی بلینکن، وزیر خارجه و جیک سولویان، مشاور امنیت ملی آن را در جعبه قرار دادن برنامه هسته‌ای ایران نامیدند. از طرف دیگر، بایدن و تیمش فرآیند بازگشت به برجام را به عنوان نقطه عزیمت برای شروع مذاکرات درباره توافق مکمل و گسترده به حوزه‌های موشکی و نفوذ منطقه‌ای قرار دادند. برای رسیدن به این نقطه، واشنگتن سیاست فشار حداکثری ترامپ را تکمیلان علیه ایران ادامه داد تا بلکه تهران در این باره مجبور به امتیاز دادن شود. همچنین برای نیل به چنین هدفی، دولت بایدن با این مانع رویه‌ور شد که اگر باید تحت تعهدات خود در توافق هسته‌ای، تحریم‌ها را بردارد، دیگر اهرم فشاری برای وادار کردن تهران به دادن امتیازهای مضاعف در حوزه‌های دیگر نخواهد داشت. این موضوعی بود که پولیتیکو بعد از نشست محرمانه‌ای که ساتورهای آمریکایی با وزیر خارجه این کشور داشتند به آن اشاره کرد. این رسانه آمریکایی به نقل از «مایکل مک‌کول» عضو ارشد جمهوری خواه کمیته خارجی مجلس نمایندگان آمریکا هشدار داد بازگشت به برجام باعث می‌شود واشنگتن اهرم‌های فشار بر تهران را از دست بدهد، زیرا متعلق آن باید تحریم‌های اقتصادی بسیاری را بردارد. مک‌کول اذعان کرد بدون تحریم‌ها آمریکا